چکیده

گسترش دامنه جرائم به‌گونه‌ای است‌که نه تنها خود افراد؛ بلکه دیگران را نیز به شوق وا می‌دارد تا در این ماراتُن بزرگ جهانی شرکت نموده وسهمی از آن بردارد. مباشران تنها کسانی نیستند که برای ارتکاب جرائم تلاش میکند؛ بلکه کسان دیگری نیز هستند که با نام معاونت در جرائم غیرعمدی در تلاش اند تا به نحوی در ارتکاب جرم سهم بگیرند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. به همین جهت، بر آن شدیم تا عنوان مزبور را از منظر فقه جزائی اسلام، حقوق کیفری افغانستان و ایران بررسی نمائیم. اهمیت این مساله را در جایگاه فقه در مدیریت اجتماعی و تأثیری که قانون دوکشور از آن می‌پذیرد باید جست وجو نمود. از آنجا که در هردو کشور، شهروندان پیروی دین اسلام است و در تعاملات فردی و اجتماعی از احکام فقه جزای اسلامی پیروی می‌کنند، بررسی‌های تطبیقی به منظور شناخت تفاوت‌ها و نقاط اشتراک بین فقه و حقوق کیفری دو کشور، ضرورت مضاعف پیدا می‌کند. پژوهش حاضر را به روش تحلیلی و توصیفی به انجام رساندیم و در نهایت به برخی از یافته‌های ارزشمندی دست یافتیم. معاونت در جرائم غیر عمدی از منظر سه نهاد حقوقی نامبرده، تعریف خاصی ندارد. در فقه اسلامی به صورت روشن از مصادیق، اهداف و ارکان آن نامی به میان نیامده، ولی در حقوق کیفری افغانستان و ایران این مصادیق به مادی و معنوی تقسیم شده است. همچنین در رکن روانی، مادی و معنوی تفاوت روشنی بین فقه و دو قانون جزائی مشاهده می‌شود. تفاوت دیگر را در کیفرهای اصلی، تکمیلی و تبعی می‌بنیم که نشان مید‌هد حقوق کیفری افغانستان و ایران در این جهت از خلأهای زیادی رنج می‌برد و برای پاسخگو بودن به تجدیدنظرهای زیادی نیاز دارد.

**واژه‌های کلیدی**

معاونت، جرائم غیر عمدی، ارکان معاونت، آثار و نتایج، مجازات‌های اصلی، مجازات‌های تکمیلی، مجازات‌های تبعی.